



انترناسیونال

۷۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۳۰ بهمن ۱۳۸۳، ۱۸ فوریه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

یاد فروغ	خطری در کمین هر دو طرف	گرامی باد ۸ مارس	در انجمن مارکسی لندن
سیاوش مدرسی صفحه ۸	محمد شکوهی صفحه ۷	اطلاعیه حزب صفحه ۴	سخنران: علی جوادی صفحه ۸



الگوهای تازه در مقابل جنبش کارگری (بخش دوم) مصاحبه با اصغر کریمی

محسن ابراهیمی: نقش کارگران ایران در انقلاب آتی را چگونه میبینید؟ رهبری انقلاب توسط طبقه کارگر هم از لحاظ سیاسی و هم عملاً یعنی چه؟ و آیا امکان اینکه طبقه کارگر در رهبری

باشد؟
اصغر کریمی: به نظر من موقعیت کارگران در انقلاب ۵۷ با انقلاب بعدی در ایران کاملاً متفاوت است. در سال ۵۷ کارگران در شکستن کمر رژیم شاه

نقش تعیین کننده ای داشتند اما در صحنه سیاسی جامعه بعد از صفحه ۲



ستون اول

محسن ابراهیمی

دمکراسی اسلامی - پنتاگونی

هدیه نظم نوین به مردم عراق

ظاهر اوضاع اینست که آمریکا لشکر کشید. دیکتاتوری منفور را برزیر کشید. به رویای دهها ساله مردم عراق برای رای دادن تحقق بخشید. انتخابات آزاد برگزار شد. جریانات اسلامی بالاترین رای را آوردند و دموکراسی در عراق پیروز شد. پیام سیاسی این است که در مقیاس بین المللی، میلیتاریسم آمریکا حرف آخر را میزند و در مقیاس عراق، اکثریت مردم اسلامی هستند و خواهان نوعی از حاکمیت اسلام.

اجازه بدهید کمی در ابعاد مختلف این موضوع تامل کنیم:

تصویر ژورنالیسم غرب: شیعه ها در جنوب، کردها در شمال وسیعاً در انتخابات شرکت کردند. سنی ها انتخابات را تحریم کردند. شیعه ها بیشترین کرسیها را بدست آوردند. کردها در رده دوم قرار گرفتند. عربها و ترکمنها و ... اگر کسی هیچ تصویری از مردم عراق نداشته باشد و همه تصویرش را از گزارشهای ژورنالیسم رسمی غرب بگیرد قاعدتا باید قانع شود که مردم عراق عناصر مسخ شده متعلق به فرقه های مذهبی و

صفحه ۳



کار قراردادی الفا باید گردد!

سیاوش دانشپور

الفا کار قراردادی است. امروز و بنا به آمارهای موجود، که مطلقاً

صفحه ۶

سرمایه داران و یک قلمرو مهم دخالت سیاسی و تعرضی کارگران علیه رژیم اسلامی، مبارزه برای

یک عرصه مهم و سراسری رویارویی طبقه کارگر ایران با کارفرماها و دولت اسلامی



مینا احدی در کنفرانس مطبوعاتی در آلمان در اعتراض به حکم دیپورت زهرا کاملی

یک پیروزی: لغو حکم دیپورت

این خبر در آخرین نطقات صفحه بندی بدستمان رسید

صفحه ۴



کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران و طومار اعتراضی

شهلا دانشپور

ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران "طومار اعتراضی خطاب به سازمانهای کارگری در سراسر

اخیراً تشکلی از سوی کارگران تحت عنوان "کمیته پیگیری

صفحه ۵

هشدار به سازمان مجاهدین! اطلاعیه ای از حزب کمونیست کارگری

صفحه ۴

ضمیمه انترناسیونال ۷۵
نگاهی به صفحه شطرنج سیاسی در ایران
مقاله ای از حمید تقوایی
سه شنبه منتشر میشود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ الگوهای تازه در مقابل جنبش کارگری

انقلاب فاقد حضور چشمگیری بودند چون حزب خود را و برنامه و افق مستقل خود را نداشتند. این بار نقش کارگران متفاوت خواهد بود، چرا که قبل از هر چیز حزب سیاسی طبقه کارگر در صحنه حاضر است و کارگران را در صحنه سیاست نمایندگی میکند. و از طرف دیگر سطح آگاهی کارگران در مقایسه با سال ۵۷ بسیار ارتقا یافته است. کارگران پیشرو بسیار پیچیده تر و روشن تر از سال ۵۷ هستند. جایگاه خود را میشناسند، تمایز احزاب و جنبشهای مختلف را میدانند، با چشم بازتری از هم اکنون به صحنه سیاست در ایران و تحولات سیاسی نگاه میکنند، افق بسیار روشن تری در مقایسه با سال ۵۷ دارند، توده ایسم جانی در میان کارگران ندارد و احزاب طبقه حاکم نمی توانند به راحتی آنها را فریب دهند. بویژه نسل جدید انتظارات سطح بالایی دارد، تحصیلات بالاتری دارد، مدرن است و در عصر اینترنت با به عرصه کار و سیاست گذاشته است و این فاکتورها با شروع انقلاب ابعادی باورنکردنی بخود خواهد گرفت. فعالین کارگری از هم اکنون دارند نشان میدهند که نمیخواهند طبقه کارگری هویت باشد، رهبرانانش گمنام باشند، سرشان را در لاک خودشان در کارخانه فرو کنند و مسائل فراتر از کارخانه را، سیاست را، به جنبش های دیگر واگذار کنند. گسترش همبستگی و حمایت از مبارزات یکدیگر که در حال نشو و نما است و روز بروز عرض و طول بیشتری پیدا میکند، ابراز وجود برخی فعالین کارگری و مقابله علنی و صریح با وزارت اطلاعات و دم و دستگاه سرکوب و تلاش برای جلب حمایت سازمانهای کارگری بین المللی و اقدام به جمع آوری طومار توسط کمیته پیگیری مطالبات کارگری و اعتراض به سازمان جهانی کار و سازمان یافتن انواع نشریات کارگری بخشی از تلاش ارزنده فعالین رادیکال کارگری برای دخالت در سرنوشت خود، به میدان کشیدن نیروی خود، هویت دادن به خود و مبارزات و مطالبات خود و تبدیل کردن مسائل و مطالبات طبقه کارگر به یک مساله اجتماعی است و از طرف دیگر بیانگر

گسترش شبکه های کارگران معترض و رادیکال است که نبض جنبش کارگری را در دست دارند. این دو فاکتور، وجود حزب سیاسی طبقه کارگر و تحرک وسیع طیف رادیکال و کمونیست در میان کارگران دو جزء مهم جنبشی است که زمینه ایفای نقش رهبری جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم برای سرنوشت حکومت اسلامی و بنا کردن جامعه ای انسانی را فراهم میکند. بر خلاف سال ۵۷ امروز پرچم روشنی وجود دارد که طبقه کارگر آنرا بلند کند، برنامه روشنی هست که کارگران پیشرو آنرا به قطعنامه های خود تبدیل کنند و جنبش های اجتماعی پیشرو و آزادیخواهانه را هدایت کنند. حزبی هست که بویژه در دوره انقلابی وسیعا به آن بسیوندند و مسیر تحولات را تعیین کنند. این فاکتورها شرایط مناسبی برای رهبری انقلاب فراهم میکنند. اما علیرغم همه اینها هیچ چیز از قبل تضمین شده نیست. علاوه بر سرکوب و فشارهای کمرشکن اقتصادی، احزاب و جنبش های دیگر هم در تلاش اند تا مانع طبقه کارگر شوند. تلاش برای درست کردن چاله های انحرافی در مقابل مردم، پاپوش دوزی برای حزب کمونیست کارگری و سانسور آن، و دهها توطئه دیگر هم در جریان است تا مانع انقلاب کارگری در ایران شوند. این ها همیشه فرض مبارزه و جزء صورت مساله است که باید بر آن غلبه کرد. کارگران پیشرو باید با حساسیت و هوشیاری به این روندها نگاه کنند و نسبت به آن عکس العمل بسیار فعالی نشان دهند. مهمترین مساله پیش پای کارگران پیشرو این است که در صحنه سیاست نمایندگی شوند تا کلا سرشان نرود، تا قادر به رهبری مبارزه توده ای مردم شوند. کم نیستند کسانی که تحت این عنوان که کارگر خود باید سرنوشت خود را بدست گیرد تلاش میکنند کارگران را از حزب و حزبی دور کنند، از توجه به مسائل مهم سیاسی دور کنند و با اینکار عملا کارگران را در لاک خودشان فروکنند و سیاست را به طبقات دیگر بسپارند. کارگران پیشرو اما باید با این تفکر و گرایش

بشدت مقابله کنند و تضمین کنند که حزب از یک موجودیت سازمانی بسیار قوی در محیط های کارگری برخوردار شود، نشان دهند که اتفاقا با حزب است که کارگر میتواند نیرو بگیرد و سرش را در صحنه سیاسی بالا نگذارد. طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ حزب خودش را نداشت، برنامه و افق مستقلی نداشت و شکست خورد. اینبار باید با حزب خودش و با افق و برنامه مستقل خودش در صحنه سیاسی ظاهر شود. باید میخ حزب را چنان کوبید که همه جا حضورش محسوس باشد، در هر کارخانه و مرکز کارگری حزب باید حضور برجسته داشته باشد تا شکست نخورد. این بزرگترین درس انقلاب ۵۷ است و فراخوان مهمی به هر فعال کارگری برای پیوستن به حزب و تشویق سایر کارگران به پیوستن به حزب. این بزرگترین مصاف پیشاوری کارگران پیشرو و رادیکال است.

محسن ابراهیمی: در سالهای قبل، به همت فعالیت حزب کمونیست کارگری در خارج از ایران، توجه اتحادیه های کارگری به بی حقوقی و سرکوب کارگران در ایران جلب شد. در ادامه این تلاشها ما شاهد اعتراضات وسیع اتحادیه ها علیه جمهوری اسلامی و اعلام همبستگی با مبارزات کارگران در ایران بوده ایم. خود شما کمپینهای مهمی، مثل کمپین عظیم و طولانی مدت بین المللی برای جلب همبستگی با مبارزات کارگران نفت در مقطع آذر ۷۵ تا فروردین ۷۶ پیش برده ای. کمی در باره نقش حزب کمونیست کارگری در این رابطه و آثار این همبستگی بین المللی در مبارزه طبقه کارگر ایران صحبت کنید.

اصغر گرمسی: همبستگی بین المللی با کارگران ایران یک تاریخ ۱۵ ساله دارد. یکی از فعالیت های بسیار برجسته حزب در خارج کشور شناساندن طبقه کارگر، آمال و آرزوها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و بی حقوقی ها و محرومیت های آن در سطح بی المللی بوده است. و اتفاقا اینهم نمونه بارزی از ضرورت تحزب کمونیستی برای کارگران است. شکل دادن به این موج همبستگی از اقصی نقاط جهان و جلب توجه رسانه ها به آن بدون وجود یک حزب کمونیستی

عملی نبود. بدون حزب چنین فعالیتی یا اساسا شکل نمیگرفت و یا مطلقا چنین ابعادی پیدا نمیکرد. دو دهه قبل حتی یک تصویر ضعیف از طبقه کارگر ایران در میان سازمانهای کارگری و افکار عمومی بین المللی وجود نداشت. ما دست بکار شدیم و در دل سازمان دادن اعتراض جهانی به سرکوب طبقه کارگر و اذیت و آزار و دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین کارگری، تصویر یک جامعه عقب افتاده که گوئی هنوز شتر مهمترین وسیله نقلیه مردم است را با سرعت عوض کردیم. هیچ سازمان کارگری شناخت حتی مختصری از طبقه کارگر ایران و مبارزاتش نداشت. این تصویر باید عوض میشد تا همبستگی بین المللی معنی و مفهوم پیدا کند. اعدام جمال چراغ ویسی فعال اول مه سنندج و دستگیری و تهدید به اعدام اعضای یک محفل کارگری در تهران شروع کمپین های حزب برای جلب حمایت سازمانهای کارگری از طبقه کارگر در ایران بودند. نشریات و اطلاعاتیه های حزب به زبانهای مختلف اروپائی منتشر شدند و در اختیار سازمانهای کارگری و افکار عمومی قرار گرفتند، صدها فعال حزب در این عرصه شروع به فعالیت کرد، ملاقات های زیادی با نمایندگان اتحادیه ها در اقصی نقاط انجام شد، مطالبات پایه ای طبقه کارگر در ایران مثل حق تشکل و اعتصاب و قراردادهای دسته جمعی و غیره به سازمانهای کارگری در قاره های مختلف شناسانده شد.

کمپین بسیار عظیم و جهانی دفاع از کارگران نفت در فاصله آذر ۱۳۷۵ تا فروردین ۷۶ اوج این فعالیت ها بود. صدها اتحادیه بزرگ و بین المللی و حتی بسیاری اتحادیه های محلی و کوچک در اروپا و آمریکای شمالی تا استرالیا و برخی کشورهای آسیائی به سران جمهوری اسلامی نامه اعتراضی نوشتند، حکومت اسلامی را محکوم کردند و از خواستهای طبقه کارگر حمایت کردند. این کمپین چنان قدرتمند بود که در عرض چهارماه دهها بار اخبار آن از رسانه های که مطلقا تا آن زمان اسمی از طبقه کارگر نمیبردند منعکس شد و به گوش مردم در ایران رسید. با این کمپین میتوان گفت قدم مهمی به پیش گذاشته بودیم و به بخشی از اهدافمان رسیده

بودیم. طبقه کارگر ایران و مطالبات و مبارزاتش و ماهیت ضدکارگری جمهوری اسلامی در سطح بین المللی به همه معرفی شده بود. امکانات و آشنائی ها و روابط وسیعی میان فعالین حزب و رهبران سازمانهای کارگری در اقصی نقاط شکل گرفته بود و حزب بعنوان سخنگوی کارگران ایران و طرف حساب سازمانهای کارگری در سطح جهان خود را تثبیت کرده بود و این تداوم این کمپین ها را هرجا و هر زمان لازم باشد برای حزب عملی کرد. بدنبال آن کمپین های بزرگ دیگری از جمله کمپین برای آزادی محمود صالحی دبیر سندیکای کارگران خباز، علیه سرکوب و اخراج و بی حقوقی کارگران مهاجر افغانی در ایران، در دفاع از کارگران بهشهر، سقز، شهریارک و غیره توسط حزب سازمان داده شد. حاصل این کمپین ها و فعالیت ها که استانداردهای جدیدی از ابعاد کمپین های بین المللی باقی گذاشت، تاثیرات مهمی بر فعالین کارگری در ایران داشت. افق مبارزه کارگری را بازتر کرد. اتکا به این حمایت ها جا پیدا کرد. دیگر فعالین کارگری خود را گمنام و ناشناخته نمیدیدند. بدنبال این کمپین ها حکومت اسلامی دستش برای سرکوب مبارزات کارگری و یا دستگیری فعالین آن بشدت بسته شد. با این فعالیت، عامل مهمی به نفع کارگران شکل گرفته بود و این یک موفقیت سیاسی برای طبقه کارگر بود. مطالبات پایه ای مانند حق اعتصاب و تشکل و آزادی بیان و غیره آنقدر تکرار شد و توسط حزب و سازمانهای کارگری مورد تاکید قرار گرفت و تبلیغ شد که جای خود را در سطح جامعه نیز باز کرد و به خواسته های شناخته شده و مورد تائید همه تبدیل شد.

امروز به یمن تداوم قدرتمند این فعالیت، مساله چنان در میان فعالین کارگری جا افتاده و مورد استقبال واقع شده است که دیگر خود فعالین کارگری مستقیما با سازمان های کارگری مکاتبه میکنند، تقاضای حمایت میکنند و یا با هر مبارزه و سرکوبی از حزب میخواهند حمایت جهانی را سازمان دهد. بسیاری از سازمانهای کارگری نیز در مقایسه با گذشته عکس العمل سریعتری نشان میدهند.

از صفحه ۱

ستون اول

قومی هستند و دنیایی خارج و فترات از مذهب و قوم و قبیله نمی‌شناسند و همینکه توانسته اند به یمن بمباران خوشه ای ارتش آمریکا، صدام را با آیت الله سیستانی جایگزین کنند و به یک دموکراسی مذهبی-قبیله ای دست پیدا کنند باید شکر گزار جرج بوش و تونی بلیر باشند!

نه خیر، ذره ای حقیقت در این تصویر وجود ندارد. نه در عراق انتخابات آزاد برگزار شده است و نه مردم عراق می‌خواهند مافیای اسلامی بساط جنایتش را در عراق پهن کند. این یک مانپولاسیون سیاسی سازمان یافته افکار عمومی است که توسط اتحاد مقدس کاخ سفید و کارشناسان آکادمیها و ژورنالیسم درباری پیش برده میشود. این نسخه نظم نوینی دموکراسی است که توسط طراحان نظم نوین برای مردم خاورمیانه نوشته شده است. نسخه ای است که در آن، حقوق افراد، حتی در سطح

دموکراسی تاجری و ریگانی و جرج بوشی هم شایسته مردم عراق نیست.

این یک فرض محال است که مردم یک کشور بتوانند در منگنه رنجرهای ارتش آمریکا و قاتلان فرقه زرقاوی و لمپنهای مجلس اعلاهی اسلامی و چاقوکشان مقتدا صدر و جانیان باقی مانده از حزب بعث، نمایندگان سیاسی خود را انتخاب کنند و حتی مسخ شده ترین و مسخره ترین نوع دموکراسی پارلمانی را مستقر کنند. آنچه در عراق اتفاق افتاد نه انتخابات بود، نه رقابت احزاب سیاسی بود و نه به هیچ معنا آزاد بود. یک معامله سیاسی سازمان یافته جهانی و اعلام نشده بود که قرار است ائتلافی از سران باندهای ترور اسلامی و سرکردگان جنگی قومی را تحت نام پارلمان روی سر مردم عراق قرار دهد و به این ترتیب تقابل میلیتاریسم آمریکا و تروریسم اسلامی را در قالب انتخابات به سرانجام برساند.

فقط در یک چنین کلاهبرداری مافیایی بین المللی است که میتوان رقابت دار و دسته های مذهبی و قومی را که یا رسماً سر در آخور جمهوری اسلامی دارند و یا رسماً از آخور پنتاگون و کاخ سفید ارتزاق میکنند انتخابات آزاد پارلمانی گذاشت. فقط در یک چنین دموکراسی اسلامی-پنتاگونی است که مزدور سابق پنتاگون و دزد دیروز بانکهای اردن مثل چلبی میتواند شکمش را حتی برای رئیس جمهور شدن صابون بزند.

جرج بوش و تونی بلیر به مردم عراق و خاورمیانه تریک گفتند که دموکراسی در عراق پیروز شد. در این اظهار نظر حقیقتی وجود دارد. و آن این که آنچه در عراق میگذرد، یعنی سلطه باندهای مذهبی-قومی بر سر مردم، تمام آن الگوی سیاسی است که قرار است به زور ارتش آمریکا به "خاورمیانه بزرگ" گسترش دهند. عراق بعد از نمایش انتخاباتی اخیر، تمام معنا و محتوای سیاسی دموکراسی نظم نوینی در خاورمیانه است. یک لحظه تصور کنید که در

عراق امنیت و آزادی سیاسی وجود داشت. احزاب سیاسی میتوانستند آزادانه برنامه سیاسی خود را تبلیغ کنند و مردم عراق در مقابل انتخاب دو آینده قرار میگیرفتند: آینده متعلق به باندهای اسلامی و قومی پیر و جوان و کودک قربانیان دست بسته و مستمر احکام و قوانین ضد انسانی قران و شریعت هستند. و آینده متعلق به نیروهای سکولار و کمونیسم کارگری یعنی آینده ای که در آن رفاه و آزادی و امنیت و احترام همه انسانها مبنای قوانین اجتماعی و سیاسی است. مردم کدام را انتخاب میکردند؟ تردیدی نیست که مالیخولیاهای اسلامی سازمان یافته در باندهای حکیم و مقتدا صدر و فرقه های متنوع اسلامی و قومی اولی را "انتخاب" میکردند.

اما قطعاً مردم عراق در مقیاس وسیع به آرامش، امنیت، سعادت، رفاه و آزادی خودشان رای میدادند. با نمایش انتخاباتی عراق، کشمکشها و آدمکشیهایی متقابل دو قطب تروریسم جهانی، آمریکا و اسلام سیاسی تمام نخواهد شد بلکه

قالیها و اشکال تازه تری به خود خواهد گرفت. همان نیروهایی که عراق را ویران و مردمش را مستاصل کرده اند به همان نقش مخربشان اینبار در شکل ائتلافها و اتحادها و ساخت و پاختهای جدید ادامه خواهند داد. مجلس نیمه اسلامی نیمه پنتاگونی، ظرف سیاسی یک ساخت و پاخت سیاسی میان آمریکا و بخشی از اسلام سیاسی است. این معامله سیاسی چه دوام بیاورد چه نیاورد، چه تحکیم شود و چه تضعیف، چه بماند و چه بشکند تفاوتی در این حقیقت نمیکند که سهم مردم ادامه نا امنی، فقر و بیحقوقی گسترده است. اولین قدم برای پیشروی به جامعه آزاد و انسانی در عراق رها شدن از هر دو قطب این کشک و معامله سیاسی است. این مصاف اصلی و بزرگی است که در مقابل مردم، کارگران و انسانهای آزادیخواه و سکولار و مشخصاً جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری چپ عراق قرار دارد. *

از صفحه ۲ الگوهای تازه در مقابل جنبش کارگری

اخیراً حتی شوراهای اسلامی هم تهدید شکایت به مراجع بین المللی را به رخ رژیم کشیدند! اما حمایت جهانی یکی از راههای تقویت مبارزات کارگری بود. طبقه کارگر نیروی بسیار بیشتری برای به میدان کشیدن داشت. جلب همبستگی کارگری در داخل کشور عرصه مهم دیگری بود که از یک سال قبل جای خود را در مبارزات کارگران باز کرد.

محسن ابوالهیمنی: اجازه بدهید با تاکید به همین نکته آخر که مطرح کردید ادامه دهیم. همبستگی کارگری در خود ایران اتفاق بسیار مهمی است. در یکسال گذشته و مخصوصاً در ماههای گذشته نمونه های زنده ای از همبستگی طبقاتی در میان کارگران ایران مشاهده شده است. حمایت کارگران ایران خودرو از کارگران نساجی کردستان و نساجی فومنات و همچنین اعلام حمایت بیش از ده مرکز کارگری در جنوب و تبریز نمونه های برجسته در ماههای اخیر هستند. کمی در مورد ابعاد این همبستگی کارگری، چشم انداز گسترش آن و نقش و جایگاهش

در مبارزه طبقه کارگر صحبت کنید.

اصغر کریمی: این یک اتفاق مهم و شکوهمند در تاریخ جنبش کارگری ایران است که زیر اختناق راهی برای همبستگی با یکدیگر پیدا میکنند. این مکمل همبستگی بین المللی کارگری و در ادامه آن است. این یک حرکت فراکارخانه ای و فراشهری است که به همت کارگران پیشرو و کمونیست عملی شده است. این حرکت از سال قبل شروع شد و امروز دارد جای خود را هرچه بیشتر در میان فعالین و محافل پیشرو کارگری در مراکز مختلف باز میکند. همانطور که اشاره کردی تاکنون مراکز کارگری قابل توجهی از کارگران نساجی کردستان حمایت کرده اند. علیه کشتار کارگران شهروانک تحرك بی سابقه ای در میان کارگران در سراسر کشور شکل گرفت. بعلاوه در هفته های اخیر در چندین مورد شاهد حمایت کارگران استخدامی از کارگران قراردادی و اعتصاب متحدانه آنها بوده ایم. این یک اتحاد طبقاتی و بسیار آگاهانه و هوشیارانه است. این به کارگران

اعتصابی در یک مرکز دل و جرات میدهد، نمیکارد اعتصاب در یک کارخانه منزوی بماند و پنهان بماند. این اقدامی مهم در جهت تبدیل یک اعتصاب به مساله کل جامعه است، این گامی در جهت تبدیل مسائل طبقه کارگر به مسائل کل جامعه است. مزد به کل جامعه مربوط است، ایمنی محیط کار به کل جامعه مربوط است. آزادی تشکل و اعتصاب و بیمه های بیکاری و اجتماعی امر جامعه است، سن بازنشستگی و حقوق بازنشستگان همینطور. طبق کارگران پیشرو و کمونیست دارند با اینکار به جنبش کارگری و به خود هویت میدهند، به سایر کارگران الگو نشان میدهند، راه نشان میدهند و امر کارگر را به امر جامعه تبدیل میکنند. این یک شیوه علنی و باز در مبارزه سیاسی است که تا همینجا یک پیروزی سیاسی بسیار مهم برای کارگران بوده است. (به خوانندگان این مصاحبه توصیه میشود دو مقاله از حمید تقوایی و اصغر کریمی در نشریه انترناسیونال شماره ۹، اسفند ۱۳۸۲ و نشریه کارگر کمونیست شماره چهار، بهمن ۱۳۸۲ را مطالعه کنند). حزب در این زمینه

نیز نقش مهمی ایفا کرد. از سال قبل طی مقالات و مصاحبه های متعدد و بی وقفه بر ضرورت این کار تاکید کرد، اهمیت آنرا مرتباً در رسانه های حزب توضیح داد، فعالین کارگری را به این کار تشویق کرد و در برخی موارد توسط فعالین حزب در داخل آنرا سازمان داد و عملی کرد. با این حال در این زمینه هنوز در ابتدای راه هستیم. همبستگی با مبارزات یکدیگر عرصه بسیار مهم و تعیین کننده ای در ارتقای جنبش کارگری و تبدیل شدن اعتصاب به یک موضوع مهم و مطرح جامعه است. مساله این است که نیروی کارگران فقط به داخل کارخانه محدود نیست. سایر مراکز کارگری، مردم شهر، خانواده ها و مشخصاً همسران کارگران به مشابه بخشی از طبقه کارگر باید همراه با اعتصابات کارگری به حرکت درآیند و دولت و کارفرما را تحت فشار قرار دهند. در چنین شرایطی اعتصاب به یک موضوع جامعه تبدیل میشود، در دل مردم جا باز میکند، به کارگر هویت اجتماعی میدهد و راه را بر تقویت جایگاه و وزن طبقه کارگر در سطح جامعه باز میکند. در این زمینه به تفصیل بیشتری در جزوه

اعتصاب نوشته ام و توصیه میکنم همه فعالین کارگری آنرا مطالعه کنند. در این زمینه نیز همانطور که در سوال قبل توضیح دادم گرایش هست که مانع پیشروی فعالین کارگری میشود، که باید توسط کارگران پیشرو پس زده شود. این حرکتی است که امروز در دفاع از یک اعتصاب معین صورت میگیرد و فردا به جنبشی طبقاتی برای بسیج نیروی طبقه کارگر، برای بسیج جامعه حول خواستهای اساسی این طبقه، حضور کارگر در صحنه سیاسی و ایفای نقش رهبری جنبش عمومی و آزادیخواهانه مردم تبدیل میشود. کسانی که امروز در خود جنبش کارگری به بهانه های مختلف جلو کارگران پیشرو را میگیرند و این کار را تحقیر میکنند متعلق به همان گرایشی هستند که سیاست را به طبقات دیگر میسپارند و کارگر را به سیاهی لشکر طبقات دیگر تبدیل میکنند. همانها هستند که کارگران را از حزب منع میکنند. این یک گرایش عقب مانده است که عملاً مانع پیشروی کارگر میشود و عقب ماندگی و محدودنگری را در

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن هشت مارس باید در همه جا تعطیل رسمی اعلام شود

زنان و مردان آزاده!

هشت مارس روز جهانی زن یکی از سمبل‌های جدال تاریخی انسانیت متمدن علیه تبعیض و ستم بر زنان است. این ستم و تبعیض که نیمی از انسانها را به موقعیت فرودست و تحقیر و تبعیض میراند، ریشه در جهل و مذهب و عقب ماندگی دارد. اما علت تداوم آن در جهان امروز که شدت و وسعت آن متفاوت است اما در همه جا مشاهده میشود، با جهل و عقب ماندگی قابل توضیح نیست. بلکه دولت‌ها و طبقات حاکم امروزی و نهادهای مذهبی شریک قدرت این سنت ضد انسانی را به ابزاری برای حراست از مصالح و منافع خود تبدیل کرده‌اند و با تمام امکانات خود آشکار و پنهان از آن دفاع میکنند. در کشورهایی از جهان این تبعیض تا حد یک آپارتاید جنسی تمام عیار عمل میکنند. اما در کشورهای "دموکراتیک" نیز آمار و ارقام تبعیض علیه زنان گویای اینست که هنوز از برابری واقعی زن و مرد فاصله بسیار است. هشت مارس روز تاکید بر آزادی کامل و

بی قید و شرط زنان در همه شئون اجتماعی است. زن و مرد انسانند و باهم برابرند. پرچم هشتم مارس را باید همچنان برافراشته نگه داشت. باید بر جهانشمول بودن حقوق زنان پافشاری کرد. هشتم مارس باید تعطیل رسمی اعلام شود تا همه مردان و زنان بتوانند تجمع کنند، تظاهرات کنند، و اعتراض خود به ستم و نابرابری را در صوفی میلیونی ابراز نمایند. در شرایطی که نهادها و جریان‌های ارتجاعی مذهبی و مردسالار و عقب مانده به تعرض به حقوق زنان و دختران و همه مردم در آسیا و آفریقا و اروپا و آمریکا و سایر نقاط جهان شدت داده‌اند، و می‌خواهند قوانین و سنتها و سمبلها و دادگاههای مذهبی را در هر جا که بتوانند به صحنه جوامع برگردانند، روز جهانی زن را باید به سنگر محکمی در دفاع از آزادی و برابری و یک جامعه سکولار و انسانی تبدیل کرد. روز جهانی زن روز نه به تحقیر و توهین علیه زنان است. روز جهانی زن روز نه به تعرض ارتجاع مذهبی به حقوق دختران است. روز جهانی زن

گرامی باد هشتم مارس روز جهانی زن
نشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ فوریه ۲۰۰۵ - ۲۳ بهمن ۱۳۸۳

هشدار به سازمان مجاهدین در رابطه با حمله نظامی احتمالی آمریکا به ایران

با سیاست آمریکا و برخورد تائیدآمیز نسبت به آن معنی نمیدهد.

از نظر حزب کمونیست کارگری ایران موضع سازمان مجاهدین و "شورای ملی مقاومت" هشدار دهنده است. هرگونه همکاری و همسویی به هر شکلی با تهاجم احتمالی نظامی آمریکا به ایران از جانب هر جریان و سازمانی، ضربه زدن به جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم ایران و کمک به تشدید مصائب این جنگ بوده و محکوم است. حزب کمونیست کارگری مقابل هرگونه همکاری و مشارکت در جنگ احتمالی آمریکا و حتی برخورد تائیدآمیز نسبت به تهدیدات نظامی آمریکا میبایستد و چنین جریاناتی را افشا میکند. سازمان مجاهدین در برابر جامعه و مردم ایران موظف است رسماً و صریحاً موضع خود را نسبت به تهدیدات نظامی آمریکا اعلام کند.

کشمکش نظامی بین آمریکا و جمهوری اسلامی تماماً تحولی بر علیه مبارزه انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری از همه احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون اکیدا می‌خواهد که از حمایت از هر یک از طرفین این جنگ تروریستی خودداری کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ فوریه ۲۰۰۵، ۲۸ بهمن ۱۳۸۳

دولت آلمان عقب نشست! حکم دیپورت زهرا کاملی لغو شد!

مبارزه وسیع و قدرتمند و با پشت سر گذاشتن لحظات پر اضطراب این عقب نشینی را به دولت آلمان تحمیل کردیم. همین اتو شیلی چند روز قبل گفته بود که زهرا را به ایران باز پس می فرستیم، چرا که در تماسی که ایشان با وزیر خارجه ایران گرفته، از دولت ایران قول گرفته که به زهرا کاری نداشته باشند!!!

گزارش منتشر شده از برخی کانالهای تلویزیونی اروپا و از جمله تلویزیون سراسری آلمان بنام WDR (برنامه مونیوتور، روز پنجشنبه سوم فوریه) به نقل از چند مامور سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) از مجاهدین بنام سازمانی که در جنگ احتمالی آمریکا به نیروهای آمریکائی در زمینه شناسائی هدفها و ضربات چریکی کمک خواهد کرد نام میبرد. مامورین سیا مجاهدین را بعنوان یک نیروی "تروریست خوب" که به آمریکا کمک میکند تصویر میکنند و با ارائه تصاویر و فیلمهایی از رژه نیروهای مسلح مجاهدین ظرفیت نظامی آنها مورد ستایش قرار میگیرد. یک مامور پنتاگون اظهار میکند مجاهدین حتی آماده انجام کارهایی هستند که نیروهای آمریکائی از انجام آنها شرم دارند. در همین برنامه سخنان محمد محدثین سخنگوی "شورای ملی مقاومت" مجاهدین در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس منعکس میشود که موضعی تائید آمیز نسبت به همکاری با نیروهای آمریکائی دارد.

دو هفته پس از پخش این برنامه متاسفانه سازمان مجاهدین این گزارش و همسویی نظامی خود با آمریکا در حمله احتمالی به ایران را تکذیب نکرده است. سکوت مجاهدین در مقابل چنین موضوع حساس و مهمی چیزی جز همسوئی

رسانه های آلمانی و از جمله رادیو WDR2 ساعت هشت شب امشب، پنجشنبه ۱۷ فوریه اعلام کردند که اتو شیلی وزیر داخله آلمان گفته است که حکم دیپورت زهرا کاملی لغو میشود و زهرا در آلمان اقامت میگیرد و میتواند در این کشور بماند.

این یک پیروزی مهم برای همه ماست. برای همه ما کسانی که شبانه روز زحمت کشیده و با یک

این کنفرانس مطبوعاتی یکساعت ادامه داشت و در پایان سخنرانان به انجام مصاحبه هایی با خبرنگاران پرداختند. یک تیم خبرنگار از تلویزیون آ آر د ARD آلمان در ادامه به انجام مصاحبه ای مفصل در مورد سفر بوش رئیس جمهور آمریکا به آلمان و احتمال حمله آمریکا به ایران و عواقب آن با مینا احدی و فعالین کمیته بین المللی علیه سنگسار پرداخت که قرار است در روز ۲۳ فوریه روز سفر بوش به آلمان از این تلویزیون پخش شود.

همچنین مارتین لزنترین و مینا احدی مصاحبه ای با خبرنگار رادیو فردا داشتند.

مبارزه با حکم دیپورت زهرا کاملی همچنان ادامه دارد و تا لغو قطعی این حکم از سوی دولت آلمان ادامه خواهد یافت.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

کنفرانس مطبوعاتی در فرانکفورت آلمان در اعتراض به حکم دیپورت زهرا کاملی

زیادی در نجات جان انسانها در ایران و پاکستان و سودان و نیجریه انجام داده و یک جبهه مهم مبارزه بر علیه اسلام سیاسی در دنیا گشوده است. در ادامه آخرین اخبار در مورد زهرا کاملی و فعالیتهای کوالیسونی که بر علیه دیپورت وی فعالیت میکنند، به جمع خبرنگاران ارائه داد. مینا احدی در مورد وضعیت سیاسی ایران و مبارزات مردم بر علیه حکومت اسلامی صحبت کرد و به سوالات پاسخ داد.

در ادامه پدرام رضا زاده دوست پسر زهرا کاملی صحبت کرد و گزارشی از کل پروسه اعلام حکم دیپورت به زهرا و عکس العمل مردم به این حکم را ارائه داد. در پایان یکی از همکاران جامعه بین المللی حقوق بشر از نیجریه در مورد احکام سنگسار در ۱۲ استان کشور نیجریه، کمک جمهوری اسلامی به مقامات این استانها و ضرورت مقابله جهانی با این احکام و قوانین ضد انسانی سخنرانی کرد.

روز چهارشنبه به دعوت جامعه بین المللی حقوق بشر و کمیته بین المللی علیه سنگسار یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر فرانکفورت آلمان برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان مطبوعات و رسانه ها در آلمان حضور داشتند.

در ابتدای این کنفرانس مارتین لزنترین سخنگوی جامعه بین المللی حقوق بشر، در مورد احکام و قوانین ضد انسانی قصاص و سنگسار صحبت کرده و گزارشی از فعالیتهای جامعه بین المللی حقوق بشر در این مورد داد و نسبت به عواقب بازپس فرستاده شدن زهرا کاملی به ایران و تهدید سنگسار صحبت کرده و از دولت آلمان و اتو شیلی وزیر داخله خواست که فوراً این حکم را ملغی کنند.

در ادامه مینا احدی هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار، گزارشی از فعالیتهای کمیته علیه سنگسار، ارائه داده و اعلام کرد که کمیته علیه سنگسار فعالیتهای

از صفحه ۱

کمیته پیگیری ...

جهان و سازمان بین المللی کار نوشته است که این نامه را تاکنون بیش از ۴۰۰۰ نفر از کارگران در ایران و صدها تن در خارج کشور امضا کرده اند. طومار مزبور برای بسیاری از نهادها و سازمانهای کارگری در سطح بین المللی ارسال شده و بر روی سایتهای خبری نیز گذاشته شده است. خواست کارگران در این نامه حق تشکل است. خواست کارگران در این نامه نامندگی شدن آنها توسط نمایندگان منتخب خود در مراجع بین المللی است. کارگران در این نامه به استخدامهای قراردادی که میروند تا ۹۰ درصد نیروی کار در ایران را دربر بگیرد و شرایط برده وار کار را بر آنان تحمیل کند، معترض شده اند. کارگران در این نامه به تهاجمات هر روزه به سطح زندگی و معیشتشان تحت عناوین و طرحهای مختلفی چون خروج کارگران موقت از شمولیت بیمه بیکاری و تامین اجتماعی و "خروج کارگران کارگاههای زیر ۵ نفر و ۱۰ نفر از شمولیت سی ماده قانون کار" و محروم شدن بخش بزرگی از کارگران از همان حداقل حقوقی که شامل حالشان میشد اعتراض کرده اند. کارگران در این نامه با اشاره به همه این بیحقوقی ها صدای اعتراض خود را به توافق اخیر سازمان بین المللی کار "آی ال او" با جمهوری اسلامی و به رسمیت شناختن نهاد حکومتی موسوم به "خانه کارگر"

برسند که بتوانند تشکلهای واقعی خود را ایجاد کنند.

حرکت کارگران بعلاوه تاثیرات مثبتی بر ایجاد همبستگی بین المللی کارگران دارد و کارگران ایران با این نامه و طومار، صدای اعتراض خود را به گوش بسیاری از کارگران در جهان رسانده اند. چندین سایت اینترنتی کارگری و اتحادیه ای و چپ نامه طومار کارگران را منتشر کرده اند. این شکل جدیدی از اعتراض و مبارزه در ایران است و میتواند ظرفی برای پیشبرد اعتراضات کارگران در سطحی سراسری باشد.

حرکت این بخش از کارگران در ایران در عین حال میتواند امکانی باشد تا رهبران واقعی کارگری به جلوی صحنه بیایند و کارگران در موقعیت اعتراضی قویتری برای پیشبرد خواستها و مطالباتشان قرار گیرند. باید با تمام قدرت این حرکت را به جلو برد. باید همه آن چند هزار کارگری را که پای این طومار امضا گذاشته اند را در این تلاش و جنبش سهیم و دخیل کرد.

برای اینکه بتوانیم این اقدامات را گامی به جلو بریم، هم اکنون اقدامات فوری و فشرده ای در دستور رهبران و فعالین دست اندر کار آن قرار میگیرد. اولین گام اینست که باید حول موضوع این اعتراض و خواستههای آن رو به جامعه و رو به همه کارگران نوشت و توضیح داد. تا بتوان همستگی هر چه گسترده تری نه تنها در میان

کارگران بلکه در کل جامعه بوجود آورد. باید ارتباط زنده و منطقی با نه تنها کارگرانی که بر زیر این نامه امضاء گذاشته اند، بلکه با دیگر مراکز و محیط های کارگری برقرار کرد و آنها را در جریان پیشبرد گام به گام این حرکت سهیم کرد. باید نامه را به دست گرفت و به مراکز مهم کارگری، به میان کارگران نفت و ماشین سازی ها و کارخانجات مختلف دیگر برد و آنها را به پیوستن به این حرکت فراخواند. باید کارگران را به مجمع عمومی و اجلاس هایی که برگزار میشود فراخواند و از چگونگی پیشرفت کار گزارش داد.

سیاست رژیم در برخورد به اعتراضات کارگری امروز اینست که باتهدید و ارعاب پیشروان هر ابتکاری، کل حرکت را به عقب براند. همانطور که در رابطه با کارگران نساجی در کردستان به اتخاذ چنین سیاستی متوسل شد. باید در مقابل چنین فشارهایی ایستاد. باید از همان الگو و روشی که کارگران نساجی کردستان بکار گرفتند استفاده کرد و نگذاشت که رهبران اعتراضات ما را در انزوا مورد تهدید قرار دهند و صف ما را متفرق کنند. به هر اندازه که صدای این اعتراض و حرکت در جامعه در سطح بین المللی انعکاس یابد. به هر اندازه که رهبران این حرکت در رسانه های بین المللی سخن بگویند به همان اندازه برای جمهوری اسلامی دشوار تر خواهد بود که به کارگرانی که تنها جریشان مبارزه برای حق

تشکل خود و علیه بیحقوقی هایبست که زندگی و معیشت آنها را به تباهی کشانده است، صدمه ای رساند. باید رهبران این حرکت در پیشاپیش حرکت کنند و رو به جامعه سخن بگویند.

در يك كلام این حرکت اعتراضی حرکتی مدرن و پیشرو و نمونه جدیدی از اعتراض کارگران در اوضاع متحول سیاسی امروز در ایران است. باید با تمام قوا از این حرکت اعتراضی کارگران حمایت کرد.

ما نیز در حمایت و پشتیبانی از این حرکت اعتراضی کارگران تلاش میکنیم. نامه اعتراضی کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری هم اکنون به زبانهای انگلیسی و فارسی بر روی سایت "کارگران" و سایت "روزنه" گذاشته شده است و در آنجا از نیروهای آزادیخواه و همه کارگران خواسته شده که به این حرکت اعتراضی پیوندند. همچنین متن انگلیسی این نامه به همراه یادداشتی از سوی کاظم نیکخواه دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران برای کنفرانس بین اتحادیه های آزاد کارگری و چندین سازمان و نهاد کارگری در سطح بین المللی ارسال شده و تا کنون بر روی چندین سایت خبری بین المللی گذاشته شده است. باید با تمام قوا به یک همبستگی وسیع و بین المللی در حمایت از این حرکت پیشرو و رو به جلوی کارگران دامن بزنیم. زنده باد اتحاد کارگری. *

تحت حاکمیت اسلامی برف و سرما نیز از مردم قربانی میگرد!

با ریزش برف در گیلان طبق آمار دولت حداقل ۶۰۰ روستا در محاصره برف قرار گرفته اند و مردم با کمبود آذوقه روبرو هستند، ۱۰ نفر جانشان را از دست داده اند و ۵ تا ۷ هزار واحد مسکونی و هزار مدرسه و کارخانه ویران شده است. در آمار دولت آمده است که بیش از ۶۰۰ روستا در محاصره برف قرار گرفته اند. در شهرهای مهاباد، سقز، بانه و تعداد دیگری از شهرهای کردستان نیز ریزش برف موجب قطع نان و برق مردم شده و صدها هزار نفر با سرما، کمبود آذوقه، کمبود و گرانی نان و نبود برق و وسائل گرمایشی دست و پنجه نرم میکنند. و این آماری است که توسط

جمهوری اسلامی منتشر شده است. میتوان ابعاد واقعی رنج و مشقت ناشی از بارش برف برای مردم را در پشت همین آمارها هم تجسم کرد. این مصائب گوشه ای دیگر از زندگی مردمی است که اسیر جمهوری اسلامی و نظام نابرابر و فقر و محرومیت سرمایه داری هستند. آنچه بی ارزش است جان مردم است که در اثر سرما و برف و انفجار گاز و تصفیه نبودن گاز مصرفی در خانه ها و انتقال بدون حفاظ مواد انفجاری در مناطق مسکونی و صدها اتفاق دیگر جان میسپارند، آسیب های جدی بدنی میبینند، محرومیت میکشند و زندگی شان تباه میشود. این گوشه ای از تصویر جامعه ای است که با هر زلزله ای هزاران و دهها

هزار مردم محروم جان میبازند، تصویر جامعه ای است که امکاناتش قبل از هر چیز صرف دم و دستگاه سرکوب و بچاپ بچاپ و تروریسم و گله مفتخور آخوند و آموزش مزخرفات و خرافات میشود. تصویری از جامعه ای است که در مراکز تولیدش بخاطر فقدان حداقل ایمنی و بهداشت و در واقع بخاطر سودجویی اقلیت مفتخور جامعه، میلیونها نفر به انواع بیماری مبتلا میشوند. و این لیست انتها ندارد. مشقت را باید با گسترش همکاری و همیاری مردم و سازماندهی وسیع شبکه های کمک به آسیب دیدگان کاهش داد. جانپان اسلامی را باید با اعتراض و مبارزه متحدانه و گسترده برای گرفتن

امکانات تحت فشار گذاشت و امکانات را توسط شبکه های خود مردم توزیع کرد. خشم و نفرت مردم را باید به مبارزه متحدانه علیه این حکومت و گسترش همبستگی میان مردم تبدیل نمود. در دل این اعتراض و کمک رسانی باید شبکه های مبارزاتی را گسترش داد، این نظام باید زیر و رو شود. جمهوری اسلامی بعنوان اولین قدم باید سرنگون شود. دوام هر روز بیشتر این حکومت به معنی محرومیت و مشقت هر روز بیشتر برای توده های مردم است. به معنی قربانی شدن زندگی مردم است. کم دردم ترین، سریع ترین و واقعی ترین راه سرنگونی این حکومت به میدان آمدن توده های وسیع مردم و قیام و انقلاب برای

از صفحه ۱ کار قراردادی الفا باید گردد!

نمی‌توان به صحت آن اعتماد کرد، بیش از شصت و هشت درصد نیروی کار بصورت قراردادی در بخشهای مختلف کار میکند. این تنها شامل کارگاهها و صنایع کوچک نمیشود بلکه کل رشته های تولیدی و خدمات و صنایع بزرگ مانند گاز و نفت و ماشین سازیها و مجتمع های صنعتی را در برمیگیرد. نقطه عزیمت رژیم اسلامی اینست که این سقف را به نود درصد برساند. دوام و نتیجه چنین سیاستی طبقه کارگر را در معرض تلاشی کامل قرار میدهد و لطمات جبران ناپذیری را به جنبش کارگری ایران تحمیل میکند. این تحمیل یک عقبگرد به جامعه و جنبش آزادی و برابری است. طبقه کارگر ناگزیر است که برای بقا خود، و برای دفاع از حرمت انسانی خود و کل جامعه، هرچه سریعتر به یک صیفندی وسیع، سراسری و قدرتمند برای الفا کار قراردادی شکل دهد و به میدان بیاید.

قراردادی شدن روزافزون نیروی کار جزئی از سیاستی است که طی سالهای گذشته رژیم اسلامی در جهت ایجاد تسهیلات لازم برای جذب سرمایه به پیش برده است. اقداماتی که از دوره رفسنجانی

شروع شد و مفاد همان پلاتفرم اقتصادی در دوره خاتمی هم با شدت اعمال شده است. اما این سیاستها به دلیل مختصات رژیم اسلامی، و ناتوانی اش در بازسازی و رشد سرمایه داری ایران در چهارچوب جهانی سرمایه داری امروز و تبدیل بازار داخلی ایران به یک جز آنترگره در تقسیم کار جهانی اقتصاد کاپیتالیستی، شکست خوردند. در پایه ای ترین سطح مسئله اینست که جمهوری اسلامی نتوانسته و نمیتواند به رژیم متعارف سرمایه داری تبدیل شود. ایران بعنوان یک کشور با حکومت اسلامی حوزه

تمام شدن نرخ نیروی کار برای کارفرما از اهداف دیگر این سیاست است. کار قراردادی محافظه کاری در درون طبقه کارگر را گسترش میدهد و دست سرمایه داران را در استعمار شدیدتر و وحشیانه کارگران باز میگذازد. مطالبات محوری و برحق کارگری مانند حق تشکل و انحصار و انعقاد قراردادهای دسته جمعی و غیره را در سطح سراسری عملا پس میزند و شرایطی ایجاد میشود که ورود کارگر به یک رودروئی پرسر خواستها و مطالبات کارگری را، اگر نه غیر ممکن، اما بشدت دشوار میکند. مهمتر از همه ساختار طبقه کارگر را دچار تلاشی میکند و یک نیروی محوری و مهم در رویارویی سیاسی و اجتماعی با رژیم اسلامی را زمینگیر میکند. سیاست تصفیه و اخراج و بازخريد کارگران قدیمی صنایع و یا کارگران رسمی و جایگزین کردن آنها با کارگران قراردادی معضلی است که امروز همه جا با آن مواجه هستیم. کار قراردادی کارگر را به موضع دفاعی میراند و شرایط را برای مرتجعینی مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی و جریانان سازشکار برای کشیدن کارگران به دفاع از قانون کار رژیم تسهیل میکند. هدف رژیم اسلامی از گسترش کار قراردادی تنها تامین شرایط مناسبتر برای چپاول دسترنج کارگران نیست، بلکه هدف سیاسی و درازمدت تری را برای عقب راندن جنبش کارگری در کلیت خود دنبال میکنند.

چه باید کرد؟

عواقب زیانبار و غیرقابل جبران تداوم این سیاست رژیم اسلامی، برای زندگی امروز و فردای هر تک کارگر و خانواده کارگری و کل جنبش کارگری، در یک مقیاس اجتماعی باید درک شود و در همین مقیاس باید مقابله با آن در دستور قرار گیرد. امروز اعتراض علیه کار

قراردادی شروع شده است. از کارگران ایران خودرو و نساجی ها تا طومار هزاران کارگر برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و هر اعتراض کارگری بنوعی با کار قراردادی مقابله میشود. اما این کافی نیست. این موضوعی سراسری و خارج از موقعیت هر کارخانه معین است. امروز کارگران با خصوصی سازی و بیکار سازی هم در گوشه گوشه ایران و در صنایع مختلف مواجه اند. اما باید حلقه ای را برای یک اعتراض سراسری انتخاب کرد که به همه این موضوعات پاسخ روشنی میدهد. پرچم "الفا کار قراردادی" و "جنبش سراسری برای الفا کار قراردادی"، کلیدی است که طبقه کارگر میتواند نه فقط این تعرض را پس بزند بلکه موقعیت خود را در قلمرو حقوقی و قانونی و طرح مطالبات مشخص و محوری تحکیم کند.

در مبارزات اخیر شرکت ایران خودرو شعاری طرح شد مبنی بر "حقوق مساوی برای کارگران پیمانی و رسمی". کارگران رسمی و قراردادی این شرکت در این مبارزه از همديگر حمایت کردند و پیروز شدند. اما این شعار در عین اینکه جهت خوبی دارد اما نفس کار قراردادی را زیر سوال نمیرد. مسئله صرفا برابری دستمزد نیست. کار قراردادی باید ممنوع باشد. کارگر نباید بپذیرد که مثل پیچ و مهره ماشین برده با او رفتار شود. کارگر این توهین به حرمت اجتماعی اش را نباید بپذیرد. نقطه شروع ما اینست که ما کارگران داریم خرج دولت و دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب و بورکراسی و سرمایه داران را میدهیم. منشا همه ثروت و قدرت دولت و سرمایه داران و خیل وسیع مفتخورها چیزی جز کار کارگران نیست. چرا باید کارگر خود سهمی از این ثروت نداشته باشد و مثلا نتواند مثل وکیل مجلس زندگی کند؟ وقتی الفا کار قراردادی را مطرح

میکنیم داریم میگوئیم استخدام رسمی! داریم میگوئیم تامین شغلی! داریم میگوئیم اتحاد کارگری در مقابل بیکاری! داریم میگوئیم طبقه کارگر این شرایط را نمیپذیرد و از اینجا بحث دیگر حقوق و مطالبات کارگر رسمی وارد تصویر میشود.

باید فوراً و بسرعت دست بکار شد. تلاشهای مفید تاکتونی و پراکنده را متحد کرد. گام اول راه افتادن فعالین و رهبران عملی کارگران است و تهیه قطعنامه ای مبنی بر الفا کار قراردادی، ممنوعیت قانونی استخدام کارگر بصورت قراردادی، و رسمی شدن کارگران قراردادی. گام دوم تصویب این قطعنامه در مجامع عمومی هر کارخانه و واحد بزرگ و کوچک صنعتی و خدماتی است. اعلام رسمی این خواسته ها به دولت و رسانه ها و خواست جلب حمایت جامعه از این خواست مشروع و بدیهی طبقه کارگر. راه افتادن جنبشی سراسری برای پاسخ به معضلی سراسری و جلب یک نیروی عظیم کارگری برای خواستی مشروع و قابل حمایت توسط طبقه کارگر بین المللی و اکثریت عظیم جامعه ایران، در اولین گامها بلافاصله جمهوری اسلامی را زیر فشار کارگران عقب میراند. یک جنبش سراسری و قوی برای الغای کار قراردادی، موقعیت سیاسی و اجتماعی کارگران را در کل جامعه دگرگون میکند. شکست جمهوری اسلامی توسط یک مبارزه متشکل و برحق کارگری و حول یک خواست مشخص و پیشرو، در عین حال یک تحول کلیدی در روند اوضاع سیاسی ایران است که بسرعت توازن قوا را به نفع جنبش کارگری تغییر میدهد. کارگران پیشرو و سوسیالیست باید پیشقدم شوند و فوراً دست بکار شویم.

زنده باد جنبش الفا کار قراردادی!

این پیروزی را سکویی برای پیشرویهایی بیشتر در آینده خواهیم کرد.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - آلمان

۱۷ فوریه ۲۰۰۵

کمپین بزرگ را به پیش برد و این پیروزی را برای جنبش دفاع از حقوق انسانی پناهندگان میسر کرد.

ما این پیروزی را به زهرا کاملی، به پدram رضازاده دوست پسر زهرا و به همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و حقوق پناهندگی و به مردم در آلمان تبریک میگوئیم.

از صفحه ۴ دولت آلمان عقب نشست!

وقتی این اظهارات غیر مسئولانه در مورد سرنوشت آینده و زندگی زهرا با موجی از اعتراض در آلمان رویو شد، وقتی عکس و سرگذشت زهرا در رسانه های زیادی مطرح شد و وقتی مردم آلمان شروع

آلمان عقب نشستند.

ما از همان اول گفتیم که بازگشت زهرا به ایران بطور قطع برای وی خطر جانی بهمراه دارد و احتمال سنگسار شدن وی است. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بهمراه چندین سازمان مدافع حقوق پناهندگی و حقوق انسانی این

خطری در کمین هر دو طرف!

محمد شکوهی



معادلات سیاسی را به ضرر رژیم تغییر داده اند. صرف نظر از اینکه این تهدیدات جقدر جدی بوده و روند احتمالی اوضاع سیاسی ایران و منطقه و سیاستهای آمریکا و غرب چه مسیری را به خود خواهد گرفت و جمهوری اسلامی برای نجات کلیت رژیم چه سیاستهایی را در پیش خواهد گرفت، يك امر روشن است و آن اینکه اوضاع به هر طرفی که بچرخد، احتمال دست بالا پیدا کردن چپ و مردم برای دخالت در اوضاع سیاسی و حتی تعرضشان به کل حکومت يك تهدید واقعی و جدی و آن "خطری" می باشد که آمریکا و غرب را در برخورد به جمهوری اسلامی محتاط تر کرده است. با وارد کردن این فاکتورها اوضاع و احوال سیاسی و روندهای آتی در مسیر دیگری رقم خواهد خورد. مسیری که هم جمهوری اسلامی و هم خود آمریکا و غرب الزاما در آن دست بالا را پیدا نخواهند کرد و ممکن است احتمال چرخیدن اوضاع ایران به نفع مردم و در نهایت به زیر کشیده شدن حکومت اسلامی توسط انقلاب مردم را به دنبال خود داشته باشد. این آن خطر و تهدید جدی است که در کمین هر دو طرف نشسته است. *

میان حساسیت جمهوری اسلامی نسبت به این مسئله مطرح است چون یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی رژیم حمایت از تروریسم اسلامی و دار و دسته های تروریستی اسلامی که بر علیه اسرائیل می جنگند بوده و فراتر از آن به معنی يك عقب نشینی بزرگ اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و پشت پا زدن به یکی از داعیه ها و آرمانهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی قلمداد می شود. با طرح این موضوع کل جمهوری اسلامی و به اعتباری غرب وارد عرصه دیگری از ریاورویی و کشمکش با جمهوری اسلامی می شود. اینکه تا چه اندازه رژیم و ادار به عقب نشینی به خصوص سر موضوع حساسی چون به رسمیت شناختن اسرائیل خواهد شد، بستگی به فاکتورهای دیگری دارد. در شرایط پابرجا بودن خطر تهدید نظامی آمریکا، یکدست شدن موضع کشورهای اتحادیه اروپا در برابر جمهوری اسلامی و سیاستهای خاومایه ای آمریکا و غرب، اعمال احتمالی تحریمهای اقتصادی، وارد آوردن فشارهای بیشتر به رژیم و احتمال بمباران تاسیسات هسته ای رژیم، و مهمتر از همه اینها وضعیت بشدت در هم ریخته صفوف نیروهای حکومتی در داخل، و وجود يك جنبش عظیم سرنگونی خواهی بر علیه جمهوری اسلامی، همه و همه فاکتورهای مهمی هستند که

طرفهای اروپایی این موضوع را طرح نمایند. وزارت خارجه رژیم در واکنش به این خواسته اعلام کرده است که این درخواست را به جا نخواهد آورد. در همین رابطه کمال خرازی وزیر خارجه رژیم روز چهارشنبه ۲۸ بهمن ماه وارد برلین شد تا با طرف های آلمانی به مذاکراتشان ادامه بدهند. سخنگوی وزارت خارجه آلمان اعلام داشته است که قضیه به رسمیت شناختن اسرائیل و طرح این مسئله به مذاکرات دور اخیر حساسیت بیشتری داده است و طرفین تلاش می کنند که راه حل هایی برای مدیریت بحران بوجود آمده پیدا نمایند. در ایران در میانسران رژیم، رفسنجانی و ولایتی و برخی از مقامات دیگر رژیم طی روزهای اخیر سر قضیه سلاح های اتمی و چگونگی برخورد به این مسئله بحث و جدل های در گرفته است. بعد از مصاحبه رفسنجانی با روزنامه آمریکایی یو اس ای تودی که خواهان مذاکره و پیدا کردن راه حلی برای بحران اتمی شده، مقامات دیگر رژیم نیز تمایل زیادی به این امر از خود نشان داده بودند که با طرح موضوع به رسمیت شناختن اسرائیل از طرف جمهوری اسلامی و دست برداشتن از حمایت از حزب الله لبنان، دوباره قضیه را حساس تر و بخشا بغرنج تر کرده است. واقعیت این است که طرح سیاست به رسمیت شناختن اسرائیل کل موضوع و تغییر و تحولات منطقه را وارد مسیر دیگری خواهد کرد. در این

موضوع ایران رسیدگی کرده و تصمیم های لازم را اتخاذ نماید، به نتایجی دست یابند. علاوه بر این سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان در دور اخیر گفتگوهایشان با نمایندگان رژیم پیشنهاد دریافت مزایای اقتصادی و بازرگانی و کمک به راه اندازی يك راکتور آب سنگین برای تولید انرژی هسته ای کرده اند تا بدین ترتیب ایران را به دست برداشتن از پروژه های اتمی اش ترغیب نموده و به گفته مقامات اروپایی خطر مداخله نظامی را رفع نمایند. در اقدامی دیگر سه کشور نامبرده مدتهاست که اعلام کرده اند که از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در صورتیکه رژیم ایران شفافیت بیشتری به برنامه های هسته ای اش بدهد، حمایت خواهند کرد. این تصمیم کشورهای نامبرده مورد مخالفت آمریکا قرار گرفته و در ۲۲ نشست سازمان تجارت جهانی، آمریکا و متحدینش از پذیرفته شدن جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی جلوگیری کردند. حساسیت طرح موضوع به رسمیت شناختن اسرائیل توسط جمهوری اسلامی از طرف کشورهای اروپایی و آمریکا یکی از نقاط بسیار حیاتی و گرهی در دور اخیر مذاکرات طرفین می باشد. برای جمهوری اسلامی طرح این مسئله، یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل به گفته سخنگوی وزارت خارجه رژیم يك شوک بوده و انتظار این را نداشتند که

طی هفته های اخیر رفت و آمدهای دیپلماتیک و گفتگوهای سران و نمایندگان کشورهای بزرگ اروپایی برای متقاعد کردن جمهوری اسلامی مبنی بر دست برداشتن از پروژه غنی سازی اورانیوم با حدت و شدت بیشتری ادامه داشته است. در این میان دور آخر گفتگوهای ایران با مقامات سه کشور اروپایی اواخر هفته گذشته بدون نتیجه به پایان رسید. همزمان فشارهای آمریکا و متحدینش به کشورهای اروپایی مبنی هم جهت و همسو کردن کل سیاست غرب در مقابل جمهوری اسلامی ادامه داشته و مقامات آمریکایی دیپلماسی "فشار و تهدید" را در برخورد به ایران در پیش گرفته اند. در تحول دیگری مقامات سه کشور اروپایی در بروکسل رسماً از ایران خواسته اند که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته و دست از حمایت از گروههای تروریستی چون حزب الله لبنان بردارد.

برای اولین بار این موضوع یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل توسط حکومت اسلامی را جک استرا وزیر خارجه انگلیس چند هفته پیش اعلام کرد. مقامات اتحادیه اروپا در آخرین موضعگیری که در خصوص روند مذاکرات تانکونی کرده اند، اعلام داشته اند که به مذاکراتشان با نمایندگان جمهوری ادامه داده و تلاش دارند که تا ۱۸ مارس که قرار است کمیته سازمان انرژی جهانی به

از صفحه ۳ الگوهای تازه در مقابل جنبش کارگری

کارگران است؟

صفر گریمی: چند نکته را باید در این زمینه اشاره کرد. مساله این است که در هر اعتصابی رهبرانی در میان کارگران قد علم میکنند، جلو میافتند، با شجاعت سینه سپر میکنند و سخنگویی کارگران را بعهده میگیرند. ایراد کار این است که با توجه به رهبری علنی مبارزه توسط اینها، رژیم و جاسوسان و وزارت اطلاعات اینها را میشناسد، اما کارگران مراکز دیگر آنها را نمیشناسند، خانواده های کارگران آنها را نمیشناسند، مردم آزادخواه آنها را نمی شناسند و این اتفاقاً ضربه پذیری آنها را بیشتر میکند. رژیم میتواند در خلوت آنها را

اما همانطور که اشاره کردم، این يك سنت غیرکارگری بود که مانع ابراز وجود رهبران رادیکال کارگری میشد و هنوز هم میشود. بهرحال این روحیه دارد جای خود را به يك روحیه واقعا کارگری، تعرضی و اجتماعی میدهد. این باید به الگوی همه فعالین کارگری تبدیل شود. این مسیری در جهت پیشروی طبقه کارگر است و جای امیدواری است که توسط طیف هرچه گسترده تری از کارگران و فعالین کارگری مورد توجه قرار گیرد. بویژه از فرجه ای که با توجه به ضعف و استیصال جمهوری اسلامی ایجاد شده است باید با هوشیاری استفاده کرد. حزب کمونیست کارگری نیز با تمام قوا برای جا انداختن این مساله تلاش میکند. *

این روحیه در کنار اختناق سیاسی به سنتی در جنبش کارگری مربوط میشود که نهایتاً پشت آن برخی گروههای سیاسی قرار دارند که کارگر را از ظاهر شدن در سطح جامعه برحذر میدارند و به کارگر صرفاً به عنوان يك صنف نگاه میکنند نه يك انسان اجتماعی، دقیقاً به همان دیدی که کارفرما به کارگر نگاه میکند. این طرز تفکر در سالهای گذشته بشدت کمزنگ شده و سیاست حزب خود را در میان بخش وسیعتری از فعالین و رهبران کارگری باز کرده است. البته فاکتور مهمی را نمیتوان از نظر دور داشت و آن توازن قوای کنونی است که رژیم را دست به عصا تر کرده است و این قطعاً امکان بیشتری به کارگران در ابراز وجود علنی میدهد

دستگیر کند، تحت فشار قرار دهد و صدای کسی هم در نیاید. زمانیکه ما برای اولین بار از سازمانهای کارگری خواستیم علناً از این فعالین کارگری با اسم و رسم حمایت کنند و به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و سدی در برابر سرکوب کارگران و فعالین کارگران شوند، کم نبودند گروههایی که به اسم چپ و مدافع کارگر شروع به افشاگری علیه ما کردند. اما خیلی زود معلوم شد که سیاست ما بشدت به نفع رفقای کارگر عمل کرد، فشار رژیم روی آنها کمتر شد و اکنون خوشبختانه خود فعالین کارگری متوجه حقانیت این سیاست حزب شده اند و از آن استقبال میکنند. خفقان قطعاً عامل خیلی از نگرانیها و ترس و لرزا و محافظه کاریها میشود اما

جنبش کارگری تقدیس میکند. **محسن ابراهیمی:** در ماههای اخیر، نمونه هایی از ابراز وجود علنی شخصیتهای کارگری و تلاشهای علنی در میان کارگران و همسران آنها برای مقابله با تهدیدات دولت و دستگاه سرکوب مشاهده شده است. نمونه برجسته آن حرکت فعالین کارگری اول مه سقر بود. این يك سنت جدید در میان کارگران ایران است و حاکی از يك تغییر مهم در سبك كار و مبارزه است. این تغییر و این سنت جدید جقدر مربوط به دوره ای است که دیگر دستگاه اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی کارایی قبلی را ندارد؟ جقدر مربوط به تغییر آگاهانه سبك کار در میان

یاد فروغ

سیاوش مدرسی



"موهبتیست زیستن، آری در زادگاه شیخ ابودلک کمانچه کش فوری و شیخ ای دل ای دل تنبک تبار تنبوری"

.....

"من میتوانم از فردا

در کوچه های شهر

که سرشار از مواهب ملیست

و در میان سایه های سبکبار تیرهای تلگراف

گردش کنان قدم بردارم

و با غرور

ششصد و هفتاد و هشت بار،

به دیوار مستراح های عمومی

بنویسم خط نوشتم که خر کند خنده"

.....

"من میتوانم از فردا

در پستوی مغازه خاچیک

بعد از فروکشیدن چندین نفس،

ز چند گرم

جنس دست اول خالص

و صرف چند بادیه پیسی کولای ناخالص

و پخش چند یا حق و یا هو،

وغ و غ و هو هو

رسماً به جمع فضایی فکور

و فضله های فاضل روشنفکر

و پیرون مکتب داخ تارخ تارخ پییوندم"

.....

باید شعر و یا در واقع بیانیه "ای

مرز پرگره" را خواند تا به عمق نگاه

نقادانه و مالا مال از طنز اندوهبار

فروغ پی برد.

فروغ قبل و پیش از آنکه بعد از

مرگش مورد ستایش مخالفینش در

زمان حیاتش روبرو شود، با اقبال

جامعه پیشرو و مردم و ضد سنتی

جامعه اش روبرو شد، استقبال این

طیف از فروغ باعث شد تا امروز با

ستایش مخالفینش روبرو شود.

خمیر مایه شعری فروغ، استفاده

آزاد و راحتش از کلمات روز در

اشعارش، زن بودن و بقول خودش به

زنانگیش افتخار کردن، منقد بودن و

علیه عقاید جاری عقب مانده در بین

مردم و روشنفکران عقب مانده به

ستیز برخاستن، سنت شکنی

بیباکانه اش، فروغ را بعنوان یک



فروغ فرخزاد

هنرمند آوانگارد در کنار هدایت برای همیشه در تاریخ فرهنگی جامعه ایران ثبت خواهد کرد.

او ۳۲ سال بیشتر زندگی نکرد و افسوس که در اوج بلوغ فکری و هنرش چشم فرو بست.

کارهای فروغ هنوز سانسور شده پخش میشود، هنوز حامیان افتخارات ابلهانه ملی او را بخاطر به سخره کشیدن این ارزشها دوست نمیدارند، هنوز هم طرفداران شاه او را بخاطر کمک به فرار دانشجویان معترض به رژیم و دستگیر شدنش به این دلیل دوست نمیدارند، هنوز هم لایه روشنفکران سنتی و عقب مانده و درون گرا، او را دشمن و حریف زورمند برای خودشان محسوب میکنند، هنوز هم جامعه پیشرو، سنت گریز و مدرن ایران فروغ را دوست میدارد، از او الهام میگيرد و با سلاحی که او برجای گذاشته میجنگد. این رمز ماندگاری فروغ است.

اما باید از فروغ هم عبور کرد، کارهای او خالی از نقص نیستند باید سنت انتقادیش را ارتقا داد باید بدعت ها و بدایع تازه تری آفرید، نبردی را که او یکی از چهره های درخشانش بود باید ادامه داد. این بهترین راه گرامیداشت فروغ است.

برلین ۱۷ فوریه ۲۰۰۵

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

نشست دفتر سیاسی حزب بتاریخ ۵ و ۶ فوریه ۲۰۰۵ با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و حمید تقوایی، لیدر حزب تشکیل شد. دستورجلسه این نشست عبارت بود از تعیین دستور جلسه پیشنهادی به پلنوم آتی کمیته مرکزی، بررسی حمله نظامی احتمالی آمریکا به ایران و تحلیل شیوه برخورد اپوزیسیون راست و مجاهدین خلق در این رابطه، اوضاع سیاسی و موقعیت حزب، اوضاع سیاسی عراق بعد از انتخابات و دو قرار باقیمانده از کنگره ۵.

جلسه پس از بحث و تعیین دستور جلسه پیشنهادی به پلنوم و تعیین تاریخ دریافت گزارش های تشکیلاتی برای ارائه به پلنوم وارد مبحث اوضاع سیاسی و موقعیت حزب شد. در این مبحث اوضاع متحول سیاسی جامعه و تغییر موقعیت و رشد محبوبیت حزب مورد بحث قرار گرفت و بر لزوم تبیین دقیق تر استراتژی حزب در شرایط جدید برای رهبری انقلاب آتی تاکید شد. این مبحث بعنوان یکی از مباحث مورد بحث در پلنوم تعیین شد.

در رابطه با احتمال حمله نظامی آمریکا بدنبال بحث هایی که در جلسات پیشین هم انجام گرفته بود، تصمیم گرفته شد که اصلاحیه ها بر پیش نویس قطعنامه مورد بحث قرار گرفته و در قطعنامه سریعاً تصویب شود. در دنبال همین مبحث در رابطه با

نقش و عکس العمل اپوزیسیون راست پرو غرب و مجاهدین نیز صحبت شد. و هر نوع حمایت و تائید حمله نظامی آمریکا توسط هر یک از جریانات اپوزیسیون محکوم گردید.

در بررسی اوضاع جامعه عراق پس از انتخابات بر این تاکید شد که دولت آتی عراق نیز یک دولت قومی- مذهبی خواهد بود که نه تنها اوضاع را بنفع مردم بهبود نخواهد داد، بلکه این وضعیت سیاه و از هم گسیخته را تداوم خواهد بخشید.

دو قرار باقیمانده از کنگره ۵، در دفاع از حرمت و حریم خصوصی اعضای حزب و در مورد موازین طرح و بررسی شکایت به بحث گذاشته شد و تصویب شد که این دو قرار به همراه تعدادی قرار دیگر در رابطه با اصول سازمانی برای تصمیم گیری به پلنوم ارائه شود.

در انتها آذر ماجدی با تفاق آراء به ریاست دفتر سیاسی انتخاب شد. لازم به ذکر است که قطعنامه در رابطه با تهدیدات نظامی آمریکا در ۹ فوریه و در فاصله دو جلسه حضوری و بیانیه علیه فقر توسط دفتر سیاسی به تصویب رسید.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فوریه ۲۰۰۵

انجمن مارکسی لندن برگزار میکند
چشم انداز کمونیسم در ایران
یکسال پس از سخنرانی منصور حکمت:
آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود
سخنران: علی جوادی

لندن، یکشنبه ۲۰ فوریه ۲۰۰۵
ساعت ۲ تا ۶ عصر

برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام جهت شرکت در این جلسه میتوانید با فریبرز پویا تماس بگیرید

۰۷۹۸۰۳۱۶۵۳۴

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!